

# مشارکت

سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است" (۱) می‌توان گفت لازم‌ه هر نوع توسعه در جامعه وجود مشارکت‌های مردمی در ابعاد مختلف است و در واقع بدون مشارکت نمی‌توان به توسعه‌ای واقعی فراگیر، همه‌جانبه و پایدار دست یافت.

در همین رابطه در یک تعریف کلی از مشارکت نیز می‌توان آن را چنین تعریف کرد که "مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است." (۲) که این امر در ارتباط با موضوعات مختلف اجتماعی اقتصادی فرهنگی و سیاسی تبدیل به مشارکت اجتماعی اقتصادی فرهنگی و سیاسی می‌شود.

امنیت اجتماعی و اشتغال نیز به نوبه خود می‌توانند تأثیر بسزایی بر روند توسعه داشته باشند. به این شکل که مردم وقتی در جامعه‌ای احساس امنیت داشته باشند راحت‌تر اقدام به مشارکت در امور مختلف خواهند نمود و ثمره این اقدام ضمن ابعاد مختلفی که دارد باعث می‌شود زمینه برای ایجاد اشتغال و فرصت‌های جدید شغلی در جامعه بوجود آید که این خود منجر به توسعه و پیشرفت جامعه در سطوح مختلف می‌شود.

## اهمیت تحقیق

امروزه در اکثر جوامع در حال توسعه مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون توسعه و مشارکت از رایج‌ترین مباحثی است که از دیدگاه‌های مختلف و در زمینه‌های متفاوت مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. اهمیت این نوع مباحث در جوامع در حال توسعه همچون کشورمان بدین دلیل است که این جوامع بویژه کشورمان روند توسعه همه‌جانبه را بسیار دیرتر از سایر جوامع آغاز نموده است و در واقع کمتر از دوده است که مطالعه نظری و عملی پیرامون توسعه و مشارکت‌های مردمی در محافل دانشگاهی و حوزه دولت و حکومت متناسب با شرایط موجود آغاز شده است. بدین ترتیب مطالعه، تحقیق و بررسی موضوع مذکور از مباحث عمده و دارای اهمیت اساسی است زیرا باعث می‌شود تا هرچه بیشتر در شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر پدیده مشارکت و توسعه و همچنین عوامل و موانع مؤثر و موجود در مسیر هریک از آنها مفید واقع گردد.

## اهداف و سؤالات تحقیق

درحالت کلی بررسی نظری مشارکت و توسعه و ابعاد مختلف آنها جهت شناخت دقیق هریک و در پی

## مهمترین استراتژی توسعه

### شهری و روستایی

(با تأکید بر اشتغال و امنیت اجتماعی)

محمد رضا گنجی

■ قسمت اول

## طرح مسأله

از حدود دهه دوم قرن بیستم، مقوله رشد و توسعه در اکثر جوامع جهان سوم مطرح شد، از آغاز این قرن تاکنون کشوری را نمی‌توان یافت که در اندیشه نیل به توسعه در زمینه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی فرهنگی و... نباشد. این جوامع با توجه به اینکه بنا به دلایل و شرایطی نتوانسته‌اند موفق به طرح و اجرای به موقع برنامه‌های توسعه خود گردند اینک سعی دارند با سرعت بیشتری به این مهم اقدام نموده و همین شتاب گاهی ممکن است آنها را در مسیر حرکت، دچار سردرگمی در زمینه‌های مختلفی از جمله انتخاب استراتژی نماید.

روند توسعه در یک جامعه نیازمند عوامل، عناصر و زمینه‌های متعددی است یا به عبارت دیگر توسعه یک پدیده چندبعدی است و همین امر باعث گردیده تا انجام طرح و برنامه‌های مربوط به توسعه و تسریع روند آن مشروط به وجود برخی از زمینه‌های مادی و غیرمادی در جامعه در سطوح مختلف باشد. لذا یکی از زمینه‌ها و عوامل مؤثر در این مهم وجود مشارکت‌های مردمی در ابعاد مختلف در سطح جامعه می‌باشد. بدین ترتیب با توجه به تعریف توسعه که "به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به

آن در حالت خاص، بررسی ارتباط بین این دو مقوله در سایه امنیت اجتماعی و ایجاد اشتغال جهت دستیابی به جامعه‌ای پویا و سالم در دستیابی به پاسخهای منطقی برای سؤالات زیر مناسب می‌باشد:

- آیا مشارکت همه‌جانبه می‌تواند به عنوان مهمترین و ضروری‌ترین استراتژی توسعه مطرح شود؟
- امنیت اجتماعی چه تأثیری بر مشارکت، اشتغال و توسعه دارد؟
- ارتباط بین مفاهیم فوق از چه نوعی است؟

### روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، روش اسنادی یا کتابخانه‌ای است که پژوهشگر سعی کرده با مطالعه و بهره‌گیری از کتابها، نشریات و تحقیقات انجام شده قبلی در ارتباط با موضوع، اقدام به جمع‌آوری و تنظیم مجموعه حاضر بنماید.

### تعریف مفاهیم

#### ۱- مشارکت

مشارکت را می‌توان عبارت از، "دست در دست هم گذاشتن، متحد و متفق شدن برای انجام یک امر و حمایت از آن، تا تحقق کامل و حتی نظارت و اصلاحات اجتماعی بعد از انجام هر امری" تعریف کرد<sup>(۱)</sup> این امر در کلی‌ترین و جزئی‌ترین امور اجتماعی مردم در یک محله، منطقه، روستا، شهر، استان و کشور قابل اجرا و عملی است. به طوری که از دست به دست هم دادن تعدادی از افراد ساکن در یک محله می‌توان برای تمیزی و نظافت کوچه و خیابان و جمع‌آوری زباله و نیز یک طرح و پروژه بزرگ توسعه در یک منطقه یا کشور بهره گرفت. در صورت فراهم شدن دو شرط اساسی تحت عنوان شرایط بیرونی و درونی، مشارکت مردمی به نحو مطلوب و مؤثری تحقق خواهد یافت. شرایط بیرونی نظیر: در دسترس بودن زمان و عدم فوریت، احساس امنیت و عدم تهدید، تدارک مجاری ارتباطی مشارکت شرایط درونی نظیر: احساس اقتصادی بودن (کمتر بودن هزینه‌ها نسبت به منافع) داشتن قابلیت‌های شخصی از قبیل هوشیاری و واقع‌بینی در امر مشارکت، خودباوری در رابطه با مطلوبیت مشارکت، احساس ارتباط بین مشارکت و الگوهای زندگی شخصی افراد و ارتباط متقابل جهت تبادل ایده‌ها در امر مشارکت و احساس همکاری، در این زمینه می‌باشد.<sup>(۲)</sup>

#### ۲- توسعه

با توجه به تعاریف متعددی که در رابطه با توسعه از دیدگاه‌های مختلف وجود دارد، بسیاری از

صاحب‌نظران معتقد هستند که هیچ جامعه‌ای در حال سکون نیست و همواره انواع دگرگونیها و تغییر و تحولات در زمینه‌های مختلف باشدت و ضعف در آنها در حال شکل‌گیری است که در واقع توسعه حاصل همین تغییر و تحولات در زمینه‌های مختلف در جامعه می‌باشد و به همین دلیل از آن به عنوان پدیده چند بعدی نام می‌برند. یکی از صاحب‌نظران معتقد است که "توسعه چیزی پیش از نوسازی و رشد اقتصادی است. علاوه بر ضرورت بهبود سطح مادی زندگی، توسعه مستلزم توزیع هر چه عادلانه‌تر تولید ملی، یک ساخت اجتماعی باز و فراهم آوردن مجال مشارکت و احترام به ارزشها، سنتها و فرهنگ بومی است."<sup>(۳)</sup>

#### ۳- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی در مفهوم ساده و روان این است که هر یک از افراد جامعه در اجتماع و محل زندگی خود دارای حس آرامش و آسایش باشند به طوری که بدون هیچ‌گونه نگرانی و یا به عبارتی با اطمینان خاطر مشغول به فعالیت و ادامه روند زندگی باشند. در حالت کلی‌تر و سطحی وسیع‌تر امنیت اجتماعی در بر گیرنده آرامش، سلامت، پویایی، بهزیستی، ثبات و اقتدار جامعه می‌شود.<sup>(۴)</sup>

#### ۴- اشتغال

اشتغال یعنی فعالیت در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... که در قبال آن مزدی پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر اشتغال یعنی مشغول بودن به شغل یا کار معینی در یکی از گروه‌های شغلی که در قبال انجام آن دستمزد یا حقوق معینی هم پرداخت می‌شود. در چرخه بهزیستی و رفاه، مشارکت اجتماعی یکی از عوامل مهمی است که در ایجاد زمینه اشتغال مؤثر است. که دسترسی به شغل و درآمدهای حاصل از آن نیز خود اساس و مایه همبستگی، همدلی و همسویی مردم با جامعه و پایداری و تحکیم استقلال و اقتدار ملی است که این مهم تأثیر به‌سزایی در چرخه بهزیستی و رفاه دارد.

#### ادبیات تحقیق، مشارکت و ابعاد آن

از مشارکت تعاریف بسیاری از جنبه‌ها و دیدگاه‌های مختلف بیان شده که در ذیل به چند تعریف اشاره می‌شود. در تعریفی از مشارکت بیان شده که "مشارکت در سازمانهای اجتماعی یا سیاسی صرفاً وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگر (معمولاً علایق جزئی یا فردی) در نظر گرفته می‌شود. بدین معنی که هدف اصلی دست یابی به فایده‌های اقتصادی یا کسب منزلت بالاتر اجتماعی اقتصادی و یا قدرت

همراه با خلاقیت و توانایی نیروهای مردمی است. از این طریق نیروها، امکانات و منابع جهت مشارکت فعالتر شده و نتایج بیشتری به دست می‌آید. در این نوع مشارکت تمرکز و تأکید بیشتر نیروهای محلی و ناحیه‌ای در درون جامعه در جهت افزایش تواناییها و میزان توسعه می‌باشد. برای مثال در توسعه روستایی یا در برنامه های بخش توسعه بهترین شیوه و نوع مشارکت، مشارکت با مردم محوری است.

## ۲- مشارکت توأم با تولید محوری

در این نوع مشارکت معمولاً توجه‌ای به نیروهای مشارکت‌کننده در برنامه های توسعه نمی‌شود بلکه صرفاً حاصل و نتایج آنها در جهت تولید بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به طور کلی می‌توان گفت این نوع مشارکت مشارکت مردمی در روند توسعه را وسیله و ابزاری برای افزایش کمی تولیدات می‌داند.<sup>(۱۲)</sup>

به طور کلی مشارکت در ارتباط با موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تبدیل به مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌شود.

**مشارکت اجتماعی:** شرکت و سهم شدن مردم در امور اجتماعی مربوط به خود و جامعه خود موضوع مشارکت اجتماعی را مطرح می‌کند که عمده ترین نوع مشارکت است. "مشارکت اجتماعی در معنای وسیع کلمه در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است."<sup>(۱۳)</sup> جهت شکل‌گیری و گسترش مشارکت اجتماعی در گام نخست وجود دوزمینه ضروری است. اول وجود تفکر و روحیه تعاون، همکاری و همیاری و دوم وجود اعتقاد و پذیرش اصل برابری مردم در سطوح مختلف در برابر قانون، در ذهن و اندیشه مردم یک جامعه.<sup>(۱۴)</sup>

**مشارکت اقتصادی:** شرکت مردم در طرحها و پروژه‌های عمرانی مختلف در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی در قالب سرمایه‌گذاری مادی و معنوی نظیر پرداخت بخش کوچکی از هزینه طرحها و یا فعالیت فیزیکی در امور عمرانی و آبادانی روستا و شهر را می‌توان تحت عنوان مشارکت اقتصادی نام نهاد.

**مشارکت فرهنگی:** شرکت مردم در امور فرهنگی و آموزشی به منظور صیانت از هویت فرهنگی و بهبود یا رشد کمی و کیفی مراکز فرهنگی و آموزشی از قبیل مدرسه‌سازی در روستا و شهر تأسیس مدارس غیرانتفاعی تأسیس و راه‌اندازی مراکزی جهت آموزش دوره‌های فنی و حرفه‌ای در زمینه های مختلف هنری

(در معنای ابزارگرایانه)<sup>(۱۵)</sup> است. که این تعریف نمایانگر این مطلب است که دست‌یابی به این اهداف و منافع فردی زمینه ساز مشارکت می‌باشد.

پیتر اوکلی و دیوید مارسون در تعاریف متعددی از مشارکت بیان داشته‌اند که:

"مشارکت، شرکت داوطلبانه مردم در یک یا چند برنامه عمومی که فرض می‌شود در توسعه ملی نقش دارند، می‌باشد."<sup>(۱۶)</sup>

"مشارکت به معنی برانگیختن حالت مردم و نتیجتاً به معنی افزایش درک و توان روستایان جهت پاسخ‌گویی به طرحهای توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات است."<sup>(۱۷)</sup>

"مشارکت، تلاش سازمان‌یافته‌ای از سوی گروه‌ها و جنبش‌ها است که برای افزایش کنترل بر منابع و مؤسسات نظم‌دهنده در شرایط اجتماعی مشخص اعلام می‌گردد."<sup>(۱۸)</sup>

"مشارکت فرایندی از مداخله اجتماعی خلاق به وسیله کسانی که به تعیین و برآورد ساختن نیازهای خود علاقه‌مندند. این کار نه یک سهم شدن انفعالی در فعالیتهای طراحی شده توسط دیگران است و نه صرفاً بهره‌برداری از ثمرات فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بلکه پیش قدم شدن در تصمیم‌گیری راجع به نوع کار چگونگی انجام کار و سپس انجام کار می‌باشد."<sup>(۱۹)</sup>

با اندکی تأمل و تعمق در تعاریف مشارکت از دیدگاه اوکلی و مارسون می‌توان تعریف نهایی آنها را به عنوان یک تعریف قابل قبول پذیرفت. زیرا به مشارکت نگاهی همه‌جانبه و گسترده دارد و به آن تنها به عنوان دستیابی به اهداف فردی، فعالیت محدود در چند طرح توسعه یا منطقه (روستایی) و استفاده ابزاری بدون آگاهی قبلی از افراد، نگاه نمی‌کند.

مشارکت بین مردم و جامعه در سطوح و ابعاد مختلف مادی و معنوی به آنها توان بیشتری بخشیده و منجر به شکل‌گیری مواردی از قبیل: "افزایش بهره‌وری در تولید، پرتوان کردن سازمانهای بازرگانی و صنعتی نیرومند کردن نیروی کار فراهم آوردن امکان مالکیت گسترده مردمان و سرانجام پدید آوردن یگانگی وحدت شهروندان" در جامعه می‌شود.<sup>(۲۰)</sup>

مشارکت را می‌توان براساس نوع اهداف و زمینه‌ها تحت دو عنوان کلی، مشارکت توأم با مردم محوری و مشارکت توأم با تولید محوری طبقه‌بندی و مورد بررسی قرار داد.

### ۱- مشارکت توأم با مردم محوری

در این نوع مشارکت روند توسعه جامعه توأم و

اقتصادی است. علاوه بر ضرورت بهبود سطح مادی زندگی، توسعه مستلزم توزیع هرچه عادلانه‌تر تولید ملی، یک ساخت اجتماعی باز و فراهم آوردن مجال مشارکت و احترام به ارزشها و سنتها و فرهنگ بومی است.<sup>(۱۷)</sup>

همچنین برخی دیگر معتقدند که "توسعه به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی بسوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است."<sup>(۱۸)</sup> طبق این تعاریف، توسعه بایستی همه‌جانبه بوده و علاوه بر افزایش رفاه مادی به مسائل معنوی و فرهنگی جامعه نیز توجه داشته باشد. توسعه در هر جامعه‌ای با توجه به اهداف آن انواعی دارد که عبارتند از:

**توسعه اقتصادی:** در تعریف توسعه اقتصادی نیز اختلاف نظرهایی بین صاحب نظران وجود دارد. برخی معتقدند "توسعه اقتصادی عبارت است از فرآیندی که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور و در یک محدوده زمانی افزایش یابد. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی عبارت است از دستیابی به تعدادی از هدفها و نوسازی و افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری‌های اقتصادی و اجتماعی، کسب دانش، فن و مهارت جدید، بهبود در وضع نهادها و بطور منطقی دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاستهای مختلف که بتوانند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف سازند"<sup>(۱۹)</sup>. اما برخی دیگر از صاحب نظران بر این اعتقاد هستند که "توسعه اقتصادی تنها وقتی ثمربخش و مرفقی است که با فرهنگ انسانی و عدالت اجتماعی همسو باشد. بدون توجه به این جنبه اساسی توسعه اقتصادی اگر هم عمل شود راه‌گشای جامعه به سمت زندگی شرافتمندانه و آگاهانه نیست."<sup>(۲۰)</sup>

**توسعه سیاسی:** در این ارتباط عبدالعلی قوام یکی از صاحب نظران توسعه در کشورمان بیان می‌دارد "هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال و از انعطاف ناپذیری به انعطاف‌پذیری و پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد"<sup>(۲۱)</sup> برای توسعه سیاسی در یک جامعه لازم است تا تمامی نهادهای لازم در آن رشد و گسترش یابد، خصوصاً جامعه مدنی که شامل احزاب و گروههای مختلف سیاسی و مستقل می‌باشد که از حق و حقوق مردم و اقشار و اصناف مختلف حمایت و جانبداری کند.

**توسعه فرهنگی:** برخی از صاحب نظران توسعه با اعتقاد به این که ادیان و آداب و رسوم سنتی از جمله



و صنایع دستی در روستا و شهر و... را مشارکت فرهنگی گویند.

**مشارکت سیاسی:** یکی از ابعاد مشارکت مردم در جامعه مشارکت سیاسی است که بنا به اظهار برخی از صاحب نظران مشارکت سیاسی مقدمه دیگر ابعاد است، که معمولاً در یک فضای دموکراتیک و آزاد که مردم احساس برابری نمایند بهتر اتفاق می‌افتد. از جمله می‌توان به شرکت مردم در انتخاب نماینده، مسئولین، نظام، مدیریت نهادها و... اشاره نمود.

### توسعه و ابعاد آن

درباره توسعه برخی معتقدند که "اصطلاح توسعه در معنای جدید آن، تنها پس از پایان جنگ جهانی دوم فراگیر شد. اما این اصطلاح خوشبختانه واژه ترقی را که بیانگر فکر انسان دوره روشنفکری بود و نیز بار اندیشه (قوم‌مداری) غریبان قرن نوزدهم را که کاربرد اجتماعی واژه (تکامل) مستر بود با خود به همراه دارد. واژه توسعه (Develop) به معنی خروج از لاف است. نخستین نظریه پردازان توسعه پس از جنگ جهانی دوم که بعداً نظریه‌شان به نام نظریه نوسازی مشهور شد بر آن بودند که این (لاف) همسان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزشهای این جامعه است."<sup>(۲۲)</sup> مطابق این نظریات توسعه، گذر از جامعه سنتی به صنعتی محسوب می‌شود.

لویس یک یکی دیگر از صاحب نظران توسعه معتقد است که "توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد

در موارد زیر میداند:

- ۱- مشارکت و حضور مؤثر در امور سیاسی جامعه از پایین‌ترین سطوح تا بالاترین رده های تصمیم گیری مملکتی.
- ۲- مشارکت در ساختار و برنامه ریزی اجرایی مملکت از پایین‌ترین سطوح تا بالاترین سطوح.
- ۳- مشارکت در ساختار اجرایی مملکت به نحوی که پایه‌های نظام بوروکراسی مملکت به کلی در هم ریزد.
- ۴- مشارکت در ساختار فرهنگی، اجتماعی جامعه به نحوی که انتفاک آراء و اندیشه‌ها و جایگاه افسراد و گروههای اجتماعی در آن به نحو احسن محفوظ باشد.
- ۵- مشارکت در ساختار اقتصادی مملکت، چه در بخش تولیدی و چه در بخش توزیع و چه در بخش اجرایی.<sup>(۱۶)</sup>

یکی دیگر از محققان به نام جلیل کلاتری چنین بیان می‌دارد: "براساس دیدگاه جدید در توسعه، مردم به عنوان نقطه مرکزی توسعه محسوب می‌گردند. از یک طرف مردم نقش محوری در ایجاد توسعه در سطوح مختلف دارند و از طرف دیگر خود هدف توسعه‌اند، به این جهت توسعه تنها به معنای افزایش تولیدات، بهبود تغذیه و ارائه خدمات اساسی همچون آموزش، بهداشت و افزایش رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی مردم نیست. بلکه علاوه بر این موارد مشارکت مردم در روند توسعه (تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا) و به کارگیری تجربیات و استعداد و خلاقیت‌های آن در جهت کنترل و بهره‌برداری از منابع ملی و محلی و بارور ساختن آن برای نیل به رفاه اجتماعی محسوب می‌شود. در جوامع جهان سوم، به دلیل فقر ساختاری مردم و همچنین نادیده گرفتن مردم در روند توسعه جامعه در تمامی زمینه‌ها نمی‌توانند از

تمامی امکانات اولیه و منابع موجود برخوردار شوند. در حالی که مسیر توسعه نه از کنار مردم که از درون مردم می‌گذرد و به مردم ختم می‌شود. بنابراین تنها ایده‌ای که از درون این مسائل منتج می‌گردد مشارکت است که نه تنها ماهیت و مسیر توسعه را تغییر می‌دهد بلکه آن را به نوعی از توسعه تبدیل می‌کند که بیشتر با علایق و شرایط زندگی مردم ارتباط دارد."<sup>(۱۷)</sup>

اوکلی و مارسون دو تن از صاحب‌نظران مشهور مشارکتهای مردمی در جوامع در حال توسعه در رابطه با مشارکت و نقش آن در روند توسعه نکاتی را به

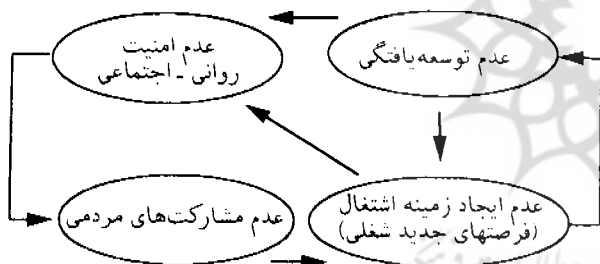
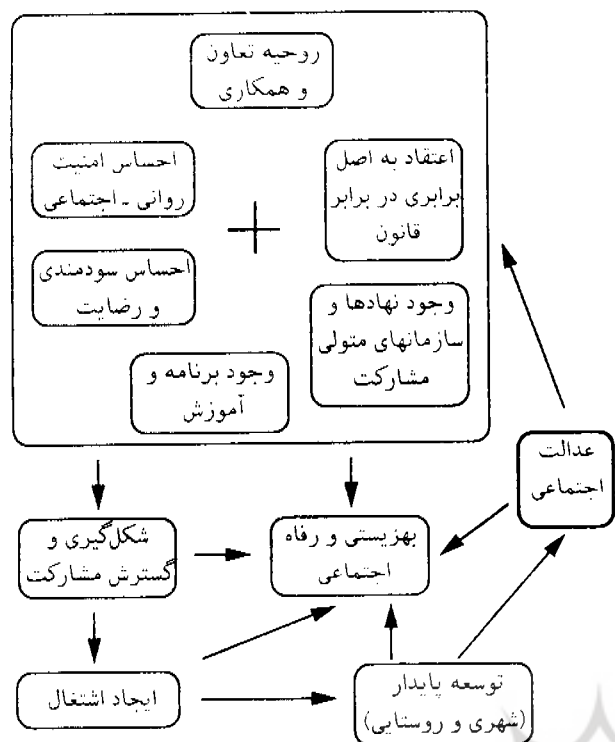
عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی جوامع در حال توسعه است بیان می‌دارند که، "فرهنگ سنتی یکی از موانع توسعه در کشورهای توسعه نیافته است. اگر کشورهای توسعه نیافته بخواهند به درجه‌ای از توسعه دست یابند، بایستی فرهنگ سنتی خود را به فراموشی سپرده و با قبول فرهنگ مدرن، خود را با خصوصیات غربی سازگار نمایند، تا تکنولوژی، فن، علم و صنعت نوین غربی بتواند بدون مانع به جامعه ایشان راه یابد."<sup>(۱۸)</sup> در صورتی که بسیاری معتقدند که "توسعه نه به معنای نابود کردن هویت فرهنگی بلکه برعکس به معنای حفظ آن است و مفهوم حفظ هویت فرهنگی نیز پرهیز از تحول فرهنگی براساس گرفتن از جوامع پیشرفته‌تر نمی‌باشد."<sup>(۱۹)</sup> مانند توسعه یسافتگی برخی از جوامع شرق آسیا.

توسعه انسانی: این نوع توسعه که مورد تأیید مجامع بین‌المللی هم است ملاک و معیار اصلی توسعه را انسان و زندگی آن در یک جامعه سالم می‌داند و معتقدند توسعه انسانی معمولاً دارای دو جنبه اساسی است. "نخست شکل‌گیری توانمندی‌های انسانی و افزایش سطح سلامت، دانش و مهارت و دیگری بکارگیری این توانمندی‌های اکتسابی در راه مقاصد سازنده، کسب آسایش و آرامش و یا فعالیت در امور فرهنگی اجتماعی و سیاسی."<sup>(۲۰)</sup> توسعه انسانی مجموعاً دارای چهار هدف زیر می‌باشد.

- ۱- بهره‌وری: مردم باید قادر شوند سقف بهره‌وری خود را ارتقاء بخشیده و در فرایند درآمذزایی و اشتغال مشارکت فعال داشته باشند.
- ۲- برابری: مردم باید از شانس مساوی برای دسترسی به موقعیت‌ها برخوردار باشند.
- ۳- پایداری: دسترسی به فرصت‌ها نه تنها برای نسل‌های حاضر که برای نسل‌های بعدی هم باید تضمین شود و جهت نیل به این مهم هر نوع سرمایه فیزیکی انسانها و زیست محیطی باید ذخیره‌سازی و جبران شود.
- ۴- توانمند سازی: توسعه باید توسط مردم صورت گیرد نه برای مردم. از این رو باید در جریان تصمیمات و فرایندهایی که زندگی آنان را شکل می‌دهند مشارکت تام داشته باشند.<sup>(۲۱)</sup>

#### دیدگاههای نظری

ربیع بدیعی یکی از محققان کشورمان مشارکت مردم از اقصا و گروههای مختلف در حق تعیین سرنوشت خویش و جامعه خود را به ترتیب اولویت



"مدل نظری چرخه بیزیستی و رفاه"

#### خلاصه و نتیجه گیری یافته های تحقیق

۱- بدون مشارکت به عنوان مهمترین و مؤثرترین اصل در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توسعه مطلوب (متوازن و همه جانبه) دور از دسترس است.

۲- بدون مشارکت، رشد اقتصادی، پیشرفت صنعتی و توسعه، مفهوم واقعی نخواهد یافت و پیامدهایی از جمله بی عدالتی و تشدید شکاف طبقاتی بین فقیر و غنی و... خواهد داشت.

۳- همکاری و مشارکت در انجام امور ضمن تامین نیازها با سرعت بیشتر، موجب کاهش زمان، هزینه و انرژی می شود. ادامه دارد

شرح زیر بیان داشته اند:

۱- مشارکت و همکاری داوطلبانه و اختیاری پایدار در برنامه های عمومی برای توسعه ملی نقش جدیدی را ایفا می کنند.

۲- مشارکت در کلی ترین حالت یعنی حساس کردن مردم، بنابراین برای افزایش پذیرش و توانایی مردم برای واکنش نسبتاً بالا نسبت به برنامه های توسعه باید حساسیت آنها را جلب نموده و حتی به شیوه تشویق اقدامات عملی نیز توجه نمود.

۳- مشارکت شامل درگیر شدن مردم در فرایندهای تصمیم گیری، اجرای برنامه ها و سهم شدن در منافع برنامه های توسعه و درگیر شدن در تلاشهایی برای ارزیابی برنامه هاست.

۴- درگیری اجتماعی یکی از جوانب مشارکت و دخالت و درگیر شدن مردم در بیان مشکلات و مسائل پیرامون آنهاست و پیشنهادات آنها برای حل این مشکل است.

۵- مشارکت عمومی در توسعه که مکمل مطالب فوق است درگیری فعالانه مردم در فرایند تصمیم گیری تا آن حد که به آنها مربوط می شود و بر روی آنها اثر می گذارد.

۶- مشارکت به عنوان یک فرایند درون گروهی برای اثبات استقلال در فهم هرگونه مشکلات.

۷- مشارکت عبارت است از تلاشهای سازمان یافته برای افزایش و تسلط بر منافع و نهادهای تنظیمی در موقعیتهای اجتماعی داده شده. (۲۸)

فریدمن و بورو از صاحب نظران مشهور نظریه جماعات روستایی که بیشترین تأکید را بر مشارکت

در مناطق روستایی داشتند معتقدند که: نظریه جماعات روستایی بر سه محور استوار است یکی همبازی و خودداری داوطلبانه، دوم جماعات روستایی و سوم توسعه غیرمتمرکز (توسعه پایین به بالا) در این نظریه مردم نقش اصلی را در توسعه به صورت روندی تدریجی دارند که از نیازهای اساسی جامعه شروع و تا نیازهای تفکیک شده در مراحل عالی ادامه می یابد. (۲۹)

فرنج جامعه شناس مشهور فرانسوی نیز مشارکت را جریانی می داند که طی آن دو دسته یا بیشتر از مردم در فرایند تصمیم گیری و یا اجرای عمل مشخص بر یکدیگر متقابلاً تأثیر می گذارند. در نظر فرنج میزان مشارکت یک شخص معادل تأثیری است که وی در تصمیمات و طرح های مورد قبول داشته باشد. (۳۰)